

در مطلبی که با عنوان

"تقسیم" کارگران - گزارش و مروری بر تاریخ یک می استانبول

در نشریه رادیکال شماره هشت

در رابطه با شرکت ایرانی ها در مراسم ۲۰۱۲ نوشته شده است اشتباهاتی وجود دارد که ما لازم می دانیم به جهت رفع این اشتباهات دو گزارش قبلی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی را که در وبلاگ نیز موجود است مجدداً با این توضیح انتشار عمومی بدهیم .

تعداد گفته شده ۱۵ نفر درست نیست ما دقیقاً ۳۵ شمردیم ۳۵ نفر با گرایشات مختلف حاضر بودند همچنین برخی برای منافع شخصی خود می خواستند بین این ۳۵ نفر جدایی ایجاد کنند و ما برای اینکه جدایی ایجاد نشود تاکتیکی به کار بردیم و ان این بود که از شیشلی تا میدان تقسیم با آن حزب که برخی از ایرانی ها عضو آن شده اند همراه شدیم . علی رغم اینکه این حزب برای کمک به برگزاری به ما در حد نوک سوزن هم کمک نکرده بود اما می خواست ما اصلاً در درون آن حل شویم و دیده نشویم و ما این را می دانستیم. اما ما می خواستیم مستقل دیده شویم برای همین در بین افراد آن حزب پراکنده نمی شدیم و اعضای برنامه ریز آن حزب نیز تلاش می کردند با پخش کردن اعضای خود که پرچم های آن حزب را در دست داشتند در داخل صفوف ما کناره و پشت سر ما پراکنده کنند تا ما دیده نشویم این کشمکش اعلام نشده تا ورود به میدان تکسیم بی وقفه ادامه داشت اما چون خود این حزب مورد نظر دارای اعضای بسیار کمی است نتوانست ما را در خود هضم کند ولی توانست در حین راه پیمای ما را کم شمار نشان بدهد. این نیز لازم است بگوییم حزب فوق نه تنها اسما" و حتی اصولاً" هم کمونیست نیست. در ورودی میدان توانستیم از او جدا شده و طبق برنامه از قبل طراحی شده به صفوف انجمن همبستگی بین المللی کارگران به پیوندیم و آنها نه تنها تلاش نکردند که ما دیده نشویم بلکه باعث دیده شدن شاخص تر ما بودند این که دوستان نشریه رادیکال به دو گروه ایرانی جدا از هم در میدان تکسیم اشاره می کنند درست نیست بلکه به صورتی که توضیح داده شد بوده است . دو گروه جدا از هم وجود نداشت. برای بیشتر معلوم شدن موضوع دو گزارشی که از طرف کمیته حمایت از شاهرخ زمانی منتشر شده اند را در ادامه تقدیم حضور می کنیم و امید داریم دوستان نشریه رادیکال در رفع اشتباه اقدام نمایند.

۱۳۹۱/۳/۲۶

پیروز باد مبارزه طبقه کارگر

پس از اریه فراخوان شرکت در مراسم اول ماه می توسط کمیته حمایت از شاهرخ زمانی تعدادی از اعضا و دیگر دوستان و رفقا مستقر در شهرهای مختلف ترکیه در مراسم روز جهانی کارگر در استانبول شرکت کردند.

برخی از تشکل های کارگری از جمله سندیکای دیسک، سندیکای کسک، انجمن همبستگی کارگران ترکیه، دانشجویان جبهه دموکراتیک خلق در جهت اجرایی شدن فراخوان فوق کمک های شایانی کردند که بدینوسیله از همه آنها تشکر و قدر دانی میکنیم

در ساعت ۱۰:۲۰ صبح به محله شیشلی روبروی پاساژ جواهر رسیدیم به دلیل ازدحام جمعیت مجبور شدیم تا ساعت ۱۲:۳۰ در آنجا بمانیم، ساعت ۱۲:۳۰ به طرف میدان تکسیم شروع به راه پیمایی کردیم، در این راه پیمایی از طیف های مختلف ایرانی های مقیم ترکیه حضور داشتند.

همراه پلاکاردها و پوستر های کمیته حمایت از شاهرخ زمانی چند عکس و دست نوشته ای که توسط خود شرکت کنندگان تهیه شده بود مورد استفاده قرار گرفت.

طی مسیر شعارهایی در رابطه با آزادی و حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فریاد زده شد و همچنین شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه سرداده شد.

ساعت ۲ به میدان تکسیم رسیدیم، در آنجا به انجمن همبستگی کارگران ترکیه پیوستیم که آنها نیز مستقلاً اقدام به حمایت از کارگران زندانی ایران کرده بودند.

تا ساعت ۴:۲۰ در میدان تکسیم که مراسم در حال برگزاری بود حضور داشتیم پس از آن پراکنده شدیم. لازم به ذکر است طی مدت راهپیمایی و ورود ما به میدان تکسیم به دلیل حضور متشکل مان در این مراسم مورد استقبال گسترده رسانه های خبری قرار گرفتیم.

و همچنین مصاحبه و رپورتاژهایی از برخی اعضای کمیته حمایت از شاهرخ زمانی تهیه شد. در این مصاحبه ها به مشکلات کارگران ایران و زندانیان از جمله سرکوب کارگران و تشکل ها، ممنوع بودن تشکل های کارگری، دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری و سیاسی، ممنوع بودن احزاب، گرانی و تورم، اخراج کارگران، قراردادهای موقت و ... پرداخته شد. گزارش تکمیلی ارائه خواهد شد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۱/۰۲/۱۲

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

امروز ۱۷ خرداد است. سالگرد دستگیری شاهرخ زمانی

یک سال از دستگیری و پرونده سازی علیه شاهرخ و دوستانش می گذرد.

مطلب زیر را که می تواند، انتقال یک تجربه بین کارگران کشور های مختلف باشد، به مناسبت ۱۷ خرداد روز دستگیری و پرونده سازی علیه شاهرخ و دوستانش که یک سال از آن می گذرد، به کارگران و جوانان انقلابی ایران تقدیم می کنیم. باشد، که کمک هرچند کوچکی در راه مبارزات طبقه کارگر و همبستگی جهانی گردد.



شاهرخ زمانی کارگر نقاش و عضو هیئت باز گشایی سندیکای نقاشان و تزئینات ساختمانی و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری را بدون هیچ دلیل و مدرکی دستگیر کرده، بر علیه او پرونده سازی کردند. علی رغم اینکه در پرونده ساخته شده نیز هیچ مدرک و دلیلی برای محاکمه او وجود ندارد. طبق اعترافات قاضی پرونده حملبر که در دادنامه به صورت واضح نوشته است که شاهرخ زمانی تمامی اتهامات را رد کرده است. پس او کاملاً بیگناه است. اما کاملاً غیر قانونی، شاهرخ را بنا به اعترافات شخص دیگری (متهم ردیف چهارم) محاکمه کرده و با اتهامات دروغین به ۱۱ سال زندان محکوم نمودند. در زندان تبریز با ایجاد جو و

فضای نامناسب و خطر ناکی برای او و دیگر زندانیان سیاسی و کارگری زندان را به جهنم واقعی تبدیل کرده اند. و اکنون او را به زندان یزد تبعید کردند. ما بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری شاهرخ زمانی و دیگر زندانیان کارگری و سیاسی هستیم. در این راستا از تمامی کارگران، تشکل ها، نهادها و آزادیخواهان و جوانان می خواهیم از هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی جهت آزادی زندانیان فشار بیاورند.

کدام طبقه از فیس بوک، بیشتر سود می برد؟

برخی تفاوت‌های ظاهرا" کوچک میان فعالین کارگری و سیاسی ایران با فعالین کارگری و سیاسی ترکیه وجود دارد، که بیان آنها می‌تواند، در ادامه مبارزه کمک خوبی باشد. از جمله این تفاوتها می‌توان به نوع استفاده از اینترنت اشاره کرد.

در ترکیه احزاب، گروهها و تشکیلاتهای وجود دارند، که از نظر پایه های اجتماعی و تعداد سمپات و کیفیت آنها نسبت به ایران بسیار بالاتر هستند، در همین حال، این گروهها می‌توانند بنا به وجود اندکی دموکراسی سرمایه داری در ترکیه دارای نام و نشان باشند، دفاتر آزاد فعالیتی دارند، و می‌توانند هر زمانی که خواستند، تجمع بگذارند، تظاهرات نمایند، یا در مراسم های بزرگ و کوچک شرکت کنند، با همه این موارد اعضا و سمپاتهای این گروهها هرگز در فیس بوک فعال نیستند، و اگر باشند، هرگز با نام و نشان خود کار نمی‌کنند و هرگز عکس و نشانی از خود و اطرافیان و دوستانشان و یا دیگر فعالین در اینترنت قرار نمی‌دهند، البته از ما نیز خواستند، که عکس و نام و نشان آنها را در اینترنت بخصوص در فیس بوک نگذاریم، اما در همین حال در ترکیه افراد غیرفعال و غیرسیاسی یعنی افراد عادی از کوچک و بزرگ صفحه فیس بوک دارند و تقریباً" در تمامی فرصت ها داخل فیس بوک گشت و گذار می‌کنند.

برای ما این تفاوت به شدت مورد سؤال شده است:

که آیا افراد سیاسی و فعالین کارگری ایران میزان آگاهی‌شان در حد افراد عادی ترکیه است؟ آیا دولت ایران توانایی استفاده اطلاعاتی از اینترنت در حد توان دولت ترکیه ندارد؟ آیا میزان آزادی و دموکراسی در ایران بیشتر از ترکیه است؟ و سوالات دیگری از این دست.

عجیب این است که در ایران که حزب، سازمان، تشکل کارگری، صنفی و سیاسی همگی بلااستثنا ممنوع هستند و پلیس به صورت علنی و غیر علنی بطور وحشیانه به دنبال شناسایی و دستگیری فعالین است، متأسفانه فعالین و بیشتر احزاب موجود خود با دست خود تمامی مشخصاتشان را در اینترنت بخصوص در فیس بوک می‌گذارند، یعنی از این طریقی به پلیس می‌گویند بیاید، ما را دستگیر کنید، احزاب در نشریات الکترونیکی و سایت های خود که بسیار کم توزیع می‌شوند، فقط بین عده ای انگشت شمار توزیع شده و خوانده می‌شود، که حتی اگر وجود نداشته باشند هم به هیچ جای مبارزه بر نمی‌خورد، عکس و مشخصات نیروها و هواداران خود را توزیع می‌کنند، که در واقع بیشتر مورد استفاده پلیس قرار می‌گیرد، و این می‌تواند به این معنی باشد که به پلیس می‌گویند، لطفا" بفرمایید، نیروهای ما را شناسایی و دستگیر کنید.

جالب توجه این است که هر کدام از سازمانها و احزاب ترکیه که مورد نظر ماست حداقل دهها و برخی صدها هزار عضو و هوادار دارند به عنوان نمونه می‌توان DHKP، UID-DER و... را نام برد که هر دو بسیار منظم فعالیت دارند. به افرادشان آموزش می‌دهند که هرگز خود را چهره نکنند و شناسانند و آموزش می‌دهند که چگونه از اینترنت استفاده کنند. اما در ایران سازمانها و احزاب و تشکلها اگر خیلی همت کنند نهایتاً" ۲۰۰ الی ۵۰۰ نفر را می‌توانند با خود همراه کنند، یا در شهرهای اروپایی هر زمان تمام تلاششان را کردند، در آکسیونها و یا روز کارگر توانستند ۵۰ الی ۱۰۰ نفر را جمع کنند، می‌آیند چند نفر سمپات و هوادار انگشت شمار خود را به پلیس می‌شناسانند و این حرکت را چنان آموزش داده اند که هر کسی، جوانی و یا کارگری می‌خواهد، به مبارزه بپیوندد، اول خود را تابلو می‌کند، بر مبنای آموزش غلط این تشکیلاتها، سمپادها و اعضا فکر می‌کنند، مبارزه یعنی چهره شدن در فیس بوک و گذاشتن عکس خود و دوستانشان در اینترنت، مانند اینکه این مبارزین فعالیت دیگر نمی‌شناسد و آموزش ندیده اند.

وقتی با اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای فعالین ترکیه و کارگران ترکیه صحبت کردیم و پرسیدیم شما که می‌توانید در ترکیه تظاهرات کنید و خواسته هایتان را فریاد بزنید و احزاب و تشکل های خود را بسازید، پس چرا از فیس بوک یا دیگر موارد با نام خود استفاده نمی‌کنید؟ اکثریت قریب به اتفاق آنها می‌گفتند ما به سرمایه داری توهم نداریم و به فعالیت خود نیز شک نداریم که می‌خواهیم با سرمایه داری مبارزه کنیم و می‌دانیم که یک روزی به شدت با نیروهای سرمایه داری مانند، پلیس درگیر خواهیم شد، پلیس نیز این را می‌داند و تا می‌تواند، سعی می‌کند، فعالیت های ما را زیر نظر داشته باشد، نیروهای ما را شناسایی کند، بنابراین ما نباید خودمان به پلیس کمک کنیم، تا ما را بهتر بشناسد. با توجه به این گفته، آیا فعالین کارگری و سیاسی ایران نسبت به سرمایه داری و پلیس و بخصوص نسبت به جمهوری اسلامی که هارتر از دولت ترکیه است، توهم دارند، که چنین خود را در اختیار پلیس قرار می‌دهند؟

جواب این سئوالها را باید فعالین کارگری، فعالین سیاسی و سازمانها و احزاب خودشان بدهند و البته به خودشان.

برای انتقال یک تجربه عملی به صورت مختصر و کلی لازم است بگویم:

انجمن همبستگی کارگران با علامت اختصاری DER-UID ۱۲ سال قبل با یک جمع کوچک به تعداد ده نفر بنیان گذاری شده است. طبق گفته خودشان این ده نفر شروع به تبلیغ و ترویج و سازماندهی جهت آگاهی رسانی به صورت عمل مستقیم در میان کارگران کردند، آنها در واقع در محیط کار و محل زندگی کارگران رفته و با آنها زندگی کردند، و در حین زندگی با آنها برای کسب مطالبات کارگران و رفع مشکلات آنها با کارگران دست به عمل مشترک زدند. آنها می گویند ما به صورت یک به یک یعنی برای یک کارگر یک رفیق قرار دادیم و زمان زیادی صرف کردیم تا بتوانیم اثبات کنیم که نمی خواهیم از کارگران و کسانی که با آنها دوست شدیم سو استفاده کنیم، بلکه ثابت کردیم که می خواهیم به صورت مشترک برای به دست آوردن خواسته های طبقاتیمان فکر و عمل کنیم. آنها می گویند ده سال ما با کارگران یکی، یکی کار کردیم رو در رو صحبت کردیم و دست در دست با یک یا چند نفر دست به عمل های مشترک زدیم بدون اینکه نامی برای خود یا این جمع های کوچک اعلام نماییم.

آنها اکنون ۱۲ سال است فعالیت را شروع کرده اند از این ۱۲ سال ۱۰ سال بدون اعلام رسمی موجودیت در میان توده کارگران به صورت یک به یک و یا چند نفری در هسته های کوچک فعالیت کردند، پس از ده سال فعالیت فکری_ عملی در جهت درخواست مطالبات و کارهای هنری مانند تئاتر و شعر و کتاب، نشریه و غیره فعالیت ده ساله خود را جمع بندی کردند، سپس متوجه شدند، که زمان اعلام موجودیت فرا رسیده و اکنون دو سال است که آنها اعلام موجودیت کرده اند و رسماً فعالیت می کنند.

حاصل فعالیت ده سال بدون اعلام و دو سال اعلام رسمی آنها اکنون صدها عضو و سمپات است که این انجمن را پیش می برند. این تجربه که امیدوارم در آینده جزئیات بیشتری از فعالیت آنها ارایه شود میتواند راهی را برای فعالیت، فعالین کارگری ایران نشان دهد. فعالیت انترناسیونالیستی این انجمن قابل تقدیر است، آنها در رابطه با حمایت از کارگران زندانی ایران بیش از ۶۰ هزار امضا از کارگران ترکیه در کمپین حمایتی جمع کرده اند، همچنین از کارگران ژاپن نیز اعلام حمایت کرده و عملاً نیز به آنها کمک کرده اند. کارگرانی که با این انجمن در ارتباط هستند، بهتر و بیشتر از دیگر کارگران ترکیه با کارگران کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند. در اول ماه مه ۲۰۱۲ به جرات می توان گفت این انجمن توانسته بود فقط در استانبول دهها هزار نفر را زیر پرچم سرخ خود گرد آورد. ما ایرانیهای مقیم ترکیه که در میدان تکسیم استانبول در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کردیم، مانند سال قبل از جانب سندیکا دیسک بسیار حمایت شدیم، آنها برای ما پلاکارد تهیه کردند و ما را از شهرهای مختلف ترکیه برای شرکت در مراسم به استانبول آوردند، همچنین کیسک دیگر سندیکا نیز به برخی از رفقای ما در انتقال و دیگر موارد کمک کردند، سندیکای معلمان ترکیه نیز در مراسم های خود به ایرانیهایی که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کرده بودند از راههای گوناگون کمک کرده بودند. انجمن همبستگی بین المللی کارگران قبل از اینکه با ما در ارتباط باشد، خود تصمیم به حمایت از کارگران زندانی در ایران گرفته بود و پلاکاردها و عکسهای کارگران زندانی در ایران را در صفوف خود حمل می کردند، بر این مبنا به جهت اینکه برد اعتراضی بیشتر داشته باشد، ما نیز در میدان تکسیم به آنها پیوستیم و از جانب این انجمن بسیار صمیمانه پذیرفته شدیم، اکنون ارتباط صمیمانه بین تعدادی از پناهندگان ایرانی با این انجمن برقرار شده است، که این می تواند کانال حمایتی خوبی بین کارگران ایران و ترکیه باشد. امیدواریم بتوانیم از این کانال هر چه بیشتر به نفع کارگران دو کشور استفاده نماییم.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر

پیش به سوی مبارزات متحدانه و گسترده با شعار:

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۱/۳/۱۷